

دیگری که لازم پیشرفت امورات بشود کامل از این کابینه جدید حاصل شود که امیدهای ملت که منظور نظر مجلس شورای ملو است بزودی بحصول پیوندند برای اطلاع آقایان وزرای عظام و نمایندگان محترم عرض میکنم آن کمیسیون هم که برای نوشتن پروگرام و تعیین طریق مشی دولت بجهت اداره کردن امور مملکت معین و منتخب شده بود در این دوسه روزه با کمال جد مشغول کار شده اند یعنی آن کمیسیون که ۶ نفر بود و بعد حس کردیم که این عده برای تعیین پروگرام که امر مهمی است کم است و چند روز قبل ۶ نفر بر آنها اضافه کردیم و واقعاً مجلس شورای ملی در انتخاب این کمیسیون مقصد بزرگی در نظر داشت که از بدو انقاد مجلس بواسطه پیش آمدها مجال نکرده بود یا غفلت کرده بود که پیشنهادی برای خود و پروگرام صحیحی برای هیئت دولت معین کرده که بچه طریق امور مملکت را باید اصلاح کرد بعد از یکسال در ضمن کار کردن تجربه بر ما معلوم کرد که یک همچو پروگرامی لازم است یعنی اول باید ما بدانیم که بچه طریق باید امور این مملکت را اداره کرد و ثانیاً چه کارهایی است که باعث پیشرفت امور است و باید باو بیشتر اهمیت بدهیم البته یک مملکتی که در عالم تجدد داخل می شود و رو با اصلاحات می گذارد خیلی ترتیبات لازم دارد بسیار کارها و انتظامات است که باقتضای حال مملکت باید آنها را مقدم بر بعضی امور دانست البته اقتضای مملکت چنین تصویب میکند که بعضی امور را بر بعضی مقدم بدانند و بعضی را اصلاحات فوری نمایند و بعضی را برای آتیه بگذارند و آن اصلاحات فوریراهم باید معلوم کرد البته طریق مختلفه برای پیشرفت کار هست لکن تمام آن طرق آنرا فراهم نیست پس باید بدانیم که امروز چه میخواهیم بکنیم و چه باید بکنیم و این اصولی است که مجلس شورای ملی ملتفت شده و باید اتخاذ کرد بعد از اینکه این مطالب معلوم شد یک همچو کمیسیونی که فعلاً مرکب از ۱۲ نفر است معین شد و فعلاً اعضاء با کمال جدیت مشغول کار هستند حتی عده جاسات کمیسیون را باندازه قرار داده اند که زائد بر آن ممکن نیست مقصود این بود که خاطر وزرای عظام و نمایندگان محترم را اطمینان بدهم که آن کمیسیون جداً مشغول کار است و امیدوارم که در همین چند روزه نتایج صحیحی از آن بگیریم و در همین مجلس ارائه بشود اسباب خوشنودی عموم و پیشرفت امور بشود (عموم نمایندگان تصدیق نمودند).

(پس از آن آقای رئیس جلسه آتیه را بروز سه شنبه و دستور آنرا بقرار ذیل اعلام نمودند.)

رایورت کمیسیون بودجه راجع بمرد آباد - رایورت کمیسیون عدلیه راجع بقانون تشکیلات عدلیه - رایورت کمیسیون داخله راجع به تقاضای انجمنهای ایالتی و ولایتی در خصوص مخارج اسامیه (مجلس تقریباً یکساعت از شب گذشته ختم شده.)

جلسه ۱۶۷

صورت مذاکرات روز سه شنبه ۲۸

شهر شوال المکرم ۱۳۲۸

مجلس دوساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاءالملک تشکیل شد و صورت روز یکشنبه [ ۲۶ ] را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

[غائبین جلسه قبل] آقایان : قوا الاسلام - نوبری - حاجی میرزا آقا - سید محمد رضا - سیدعلی آقا - صدیق حضرت (بدون اجازه) آقایان : کزازی - حاج وکیل الرهبا با اجازه غائب آقایان : دکتر امیرخان - شیخ رضا - دکتر اسمعیل خان - بهجت - سیددار اعظم - سردار اسعد به موقع مقرر حاضر نشده و آقای میرزا رضاخان نائینی مریض بودند .

**رئیس** - درباب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید .

**افتخار الواعظین** - عرض میکنم به موجب نظام نامه داخلی هر یک از نمایندگان که از عضویت مجلس شورای ملی استعفا می دهند باید بعد از یک هفته استعفای ایشان در مجلس خوانده شود در صورت مجلس مدتی است آقای صدیق حضرت را جزء غائبین می نویسد و بنده می خواستم عرض کنم واقعا اگر ایشان استعفا داده اند چه ججهت دارد که استعفا نامه ایشان خوانده نمی شود و سه روز پیش ایشان را جزء غائبین می نویسد و اگر استعفا نداده اند پس چه ججهت دارد که حاضر نمی شوند قریب یک ماه است اسم ایشان در جزء غائبین بدون اجازه نوشته میشود اگر چه می دانم که ایشان همچو کاری نخواهند کرد

**رئیس** - این فرمایش شما راجع بصورت مجلس نیست و در خصوص آقای صدیق حضرت استعفای رسیده است خوانده میشود .

**فاتح الملک** - یک طرحی است که بنده چند روز است پیشنهاد کرده ام طبع و توزیع هم شده است استعفا میکنم جزء دستور گذاشته شود

**رئیس** - رفته است بکمیسیون میبکرات و در جزء دستور جلسه آتیه گذاشته خواهد شد .

**ادیب التجار** - بنده همین عرایض آقای افتخار الواعظین را می خواستم عرض کنم و عرض میکنم که وکیل که بیست روز است استعفا نامه اش را فرستاده بهیئت رئیس باید خوانده شود و تنها آقای صدیق حضرت را عرض نمیکنم آنهایی که بی اجازه هستند و متصل به نویسد غایب بدون اجازه باید تکلیف آنها هم معین شود هر کس بی اجازه هست آنقدر نباید مسامحه شود .

**رئیس** - بعضی ها هستند یعنی یکی دو نفر هستند که استعفا نامه خودشان را فرستاده اند و در خصوص آنها بنده تکلیف را می دانم چیست و عمل خواهم کرد و اما آنهایی که استعفا نامه فرستاده اند دیگر ما چه می توانیم بکنیم باید خودشان تکلیف خودشانرا بدانند که غیبت نکنند (رایورت اداره مباشرت راجع بحضور و غیاب نمایندگان قرائت شد) که نظر باینکه در هر دوره اجلاس رایورت حضور

و غیاب نمایندگان آندوره را اداره مباشرت مکلف است به مجلس مقدس عرضه بدارد اینست از غره مجرم الحرام که نظام نامه داخلی مجلس مقدس وضع و صورت قانونی یافته است الی (۱۴) میزان که مطابق سوم شوال (۱۳۲۸) می باشد اداره رایورت حضور و غیاب و کلیه مسائل مربوط بآن را مطابق دفتر اداره صورت نوشته و لقا تقدیم داشت

**رئیس** - این صورت چون خیلی مفصل است خواندنش حالالاًزم نیست ولی در روزنامه نوشته خواهد شد

( صورت حضور و غیاب نمایندگان که از روی ورقه ممضای اداره مباشرت استیضاح شد ) عریضه آقای صدیق حضرت مشعر بر استعفای ایشان از نمایندگی و عضویت مجلس شورای ملی قرائت شد

**عز الملک** - بنده فقط عرض می کنم که وضع حالیه مجلس را خیلی بهتر از آن زمانی می دانم که آقای صدیق حضرت تشریف داشتند

رایورت کمیسیون بودجه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت که مشروحه از وزارت مالیه رسیده بود مبنی بر این که قریه مردآباد جزء خالصه بوده و قتیکه به شاهزاده سالار الدوله واگذار کرده اند سی و سه تومان دوهزار و نهصد و کسری نقد و نهصد و چهل و نه خروار و هفتاد و هفت من غله و سی و دو خروار گاه مالیات آنجا را تخفیف داده و از جزء خالصه موضوع و یکصد تومان نقد و پنجاه خروار جنس جمع اربابی برای آنجا معین کرده اند کمیسیون مالیه این تخفیف را بر کردانیده و حالیه مالیه آنجا یکصد و سی و سه تومان کسری نقد و یک هزار و نود و هشت خروار کسری غله یک هزار و سی و دو خروار شده است و مستأجر مردآباد اظهار داشته که عایدی آنجا کمتر از مالیات مقرر است از طرف وزارت مالیه اقدام در ممیزی آنجا شده و از قراریکه رایورت بوزارت مالیه داده اند عایدی آنجا را از بابت سهم اربابی نهصد و پنجاه خروار غله و یک هزار خروار گاه و چهل هزار خروار یونجه است و چون سابقاً از طرف وزارت مالیه تقاضای بذل توجهی نسبت بمیال و اولاد سالار الدوله شده بود در اینموقع خواسته بودند که دو عشر از عایدی اربابی مردآباد بعنوان مالیات دریافت شده و تمه یک سال او داده شده کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکرات نموده و چنین رأی می دهد که مالیات آنجا را موافق آنچه ممیزی نموده اند وزارت مالیه مطالبه کرد و از برای رعایت حال عیال و اولاد سالار الدوله از محل دیگر نقدا هر چه مقتضی می دانید پیشنهاد کنند تا قرار آن داده شود و مالیات مردآباد باید جمع دیوان باشد

**رئیس** - در باب این رایورت ملاحظاتی هست بفرمائید .

**آقا میرزا ابراهیم خان** - برای اینکه عرایض مفهوم شود مخصوصاً اینجا ( محل نطق ) آدمم که از مخبر محترم کمیسیون بودجه در اینخصوص توضیحی بخواهم بجهت اینکه خود کمیسیون میگویند که مالیات مردآباد ۱۰۹۸ خروار غله ۱۰۳۲ گاه و ۱۳۳ تومان نقد است و مطابق رسیدگی که وزارت مالیه کرده است و مفتش فرستاده است می گویند ۹۵۰ خروار است و ۱۰۰۰ خروار گاه عایدی آنجا



میدادند بسا میشد که تقاضای تخفیف می کردند و شخصی که آنجا را می خرید اهتمام می کرد در آبادی آنجا و همین که آباد میشد و عایدی آنجا زیاد می شد مالیات آنجا را که قبل از این عایدی دولت بود میدادند بقیه مال خودشان میشد باین واسطه آن محلها آباد میشد و شاید خیلی از محلها که صد تومان عایدی آن بود بیانصد تومان میرسید یا این که اگر یانصد تومان عایدی آن بود به پنج هزار تومان میرسید و معلوم است که در هر از خالصه دهالی بیست پیدا میشود که یا این است کسر خواهد شد و یا مطابق عایدی آن مالیات داشته و آباد نشده باشد و در زمان مرحوم مظفرالدین شاه بعد از فروش بعضی عایدی این جاها را تخفیف میگرفتند و در کمیسیون مالیه سابق چون این ترتیب را بکنی خلاف قانون دیدند بکنی رد کردند و رای دادند که تمام خالصجات عایدات سابق را باید بدهند یکی از آنها هم همین قریه مرد آباد است در این حکم خیلی صحیح بود بجهت این که بعد از آنکه عایدی دولت از آنجا اجاره مالیات شد دیگر تخفیف معنی ندارد ولی قریه مرد آباد بواسطه اینکه از میزان کسرداشت بماند تخفیف سابق منظور میشد و در زمان اقتدار آقای سالارالدوله و در زمان غیر اقتدارش همیشه همینطور بوده است پس باید باین واسطه یک نظر مخصوصی در اینجا کرد ولی نه بواسطه صاحبش بجهت اینکه اگر صاحبش پریشان باشد نظائر پیدا خواهد کرد پس باید تامل کرد که در این خصوص یک حکم کلی بشود بجهت اینکه در هیچ یک از خالصجات این حکم مجری نمیشود دیگر اینکه یک حکم کلی خواهد شد که ده یک ده دو ده سه هر چه قرار شد بدهند ولی این فقره حکمی است علیحده و یک محلی است که مالیاتش هزار و کسری است وزیر مالیه می گوید من میزنم فرستادم و میزنی کردم معلوم شد که این اندازه عایدی ندارد و برای اینکه رعایتی از حال کسان سالارالدوله شده باشد صلاح میدانم که دو عشر از عایدی آن گرفته شده باقی ربا آنها را گذار کنند کمیسیون این اظهار را رد کرده و رای داده است که تمام عایدات آنرا دولت بگیرد و اگر رعایتی لازم بداند از محل دیگری نماید حالا بعد از این توضیحات باید در هر دوی این پیشنهاد رای گرفت اگر پیشنهاد وزارت مالیه قبول شد که بکنی ختم و حرف تمام است و اگر به پیشنهاد کمیسیون رای داد آنوقت باید بر گردد که عمل مرد آباد را همینطور رفتار کرده دریافت نماید برای کسان سالارالدوله هر چه قدر که لازم بداند پیشنهاد کند که مجلس در آن باب بفرماید.

**آقا شیخ غلامحسین** - از زمان ناصر الدینشاه که املاک خالصه دولتی یک نکتی پیدا کرده آمدند خیلی کردید برای آباد کردن خالصجات دولتی و کاری که کرده اند این بود که همین اجاره خالصه را مالیات کردند آنوقت اشخاصی که آنها را قبول می کردند زحمت می کشیدند و عایدات

آنها را زیاد می کردند و هر چه اضافه بر آن مالیات دخل آنها میشد از آنجمله شاهزاده سالارالدوله در زمان مظفرالدینشاه آمده است و نسبت بر دآباد اینکار را کرده است ولی شاهزاده آنکاری را که همه می کرده است نکرده و بجای آنکه عایدی آنجا را زیاد کند کم کرده است و در مقابل چون پسر شاه بوده است از شاه تخفیف گرفته است و از این قبیل هم بعضیها تخفیف گرفته اند مثل این که اشخاصی که در دربار راه داشتند و بایک درباری ارتباطی داشتند می آمدند تخفیف میخواستند و مالیات را نمی دادند و همین جهت بود که مالیه ایران این اندازه نکت کرده است و دولت ایران مقروض شده است و بعد از این که مجلس در آن دوره آمد و تخفیف را بر گردانید شاهزاده معلوم است که عایدی نشده بآنچه که مجلس رای داده است که تخفیف بر گردد این بود که این ملک بحال خودش باقی مانده است و حالا ما امور دولت رفته است و مالیات سابق را مطالبه کرده است از مستأجر آنجا مستأجر گفته است عایدی آنجا باندازه مالیاتش نمیشود یعنی اربابی که عایدی اربابی و رعیتی که آقای میرزا ابراهیم خان خیال کردند که عایدی اربابی و رعیتی این میزان است این طور نیست سهم اربابی را وزارت مالیه فرستاده است میزنی کرده است و معلوم شده است که [ ۹۵۰ ] خرواز است و در این صورت نمیشود تصور کرد که بیانیست هشت عشر از آنرا که

**محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم که تمام نکات مطالب مرا فرمودند یک نکته فراموشان شد که لازم است عرض کنم اشخاصی که این خالصجات را برداشتند نظرشان فقط بر این بود که منفعت را زیاد نمایند و بعد از اینکه آباد کردند منافعی را بردارند بلکه بعضیها مقصودشان این بود که مال الاجاره را که دولت سابقاً میبرد جنسش را تسعیر کنند یا تخفیف بگیرند از عین جنس چنانچه اگر بزمان ناصرالدین شاه یا مظفرالدین شاه رجوع فرمایند غالب فرامین خالصجات زمان ناصرالدین شاه و زمان مظفرالدینشاه همینطور است بعد بعضی از آنها زیاد شد و بعضی بحال سابق باقیماند مثل دهات نیشابور که چهار هزار تومان نقد و جنس داشت و حالا که دولت میخواهد اداره کند اعلان ده و یازده هزار تومان میکنند در صورتیکه اگر بخالصه و فرسان دولتش باشد سه هزار خرواز جنس و دو سه هزار تومان نقد است و ( ۹۵۰ ) خرواز بر فرض که هزار تومان هم تفاوت تسعیر در این حسابی که بنده کرده ام تصور شود ۷ هزار تومان را با اوا گذاریم بحال و اولاد او گمان نمیکنم که کار صحیحی باشد اگر وزارت مالیه یا دولت می خواهد چیزی بآنها بدهد برای مخارج آنها ممکن است اگر سالارالدوله حقوق دیوانی ایشان بدهند و اگر حقوق ندارند آنهم وزارت مالیه سالی شصت تومان هر قدر که صلاح بداند برای مخارج آنها بمجلس پیشنهاد کند که فراری داده شود اینکه آقای میرزا ابراهیم خان فرمودند که ( ۹۵۰ ) خرواز عایدی این قریه است موافق تصدیق میزین این سهم اربابی است نه اینکه تصور کرده باشند که سهم اربابی و رعیتی هر دو باشد در هر

حال هر چه باشد برای اولاد و کسان سالارالدوله چه جهت دارد مالیات دیوان را بر زمین بزنند اگر که مطالبی است وزارت مالیه پیشنهاد می کنند که بمجلس تصویب نمایند .

**حاج فاتح الملک** - در خصوص دهات خالصه همینطور است که گفته شد بعضیها در آمد داشته و بعضیها نداشته و خواسته اند تخفیف بگیرند که در حقیقت این تخفیف عایدی آنها بشود و در باب مرد آباد مسلم است که این بیشتر از این عایدی نداشته زیرا اگر بیشتر داشته است مطابق همان فرمان صادر میگردد است و نقطه نظر سالارالدوله هم معلوم است این بوده است که این تخفیف را بگیرد آنوقت درصد این بر آید که آنجا آباد نماید و ما اگر بخواهیم این را سابقه اینکار قرار بدهیم در صورتی که مجلس شورای ملی سابق تخفیف را بر گردانیده البته دچار مشکلات خواهیم شد بواسطه اینکه این خالصه است که شش داده آید بسالارالدوله و باید جمع دیوانی آنرا همه ساله مطالبه کرد بنده نمیگویم که بسکسان او چیزی نباید داد البته باید داد شاهزاده محترمی هم هست حالا اگر خود او بد کرده است کسان و بستگان او هستند و محترمند و باید از ایشان رعایت کرد اما اگر میخواهد بر ترتیب خالصجات عمل کنیم بهتر این است که این جمعی را که دارند آنجمع را بردارند آنوقت وزارت مالیه بهتر میشود و در اینصورت بسالارالدوله و کسان او بدهند آنرا معین کنند که موافق آن مجلس تصویب کند که سال بعد دیگر اسمی از این نباشد.

**ناصر الاسلام** - يك علت اینکه اغلب مطالب مذاکره اش در مجلس طول می کشد این است که وزیری که آنطلب راجع بوزارتخانه او است یا معاون آن در مجلس حاضر نمی شود مثل اینکه در این موضوع فعلاً مذاکره می شود و ما یک مرآباد می شنویم اگر وزیر مالیه یا معاون در اینجا حاضر بود توضیحات می داد و متقاعد می شدیم و در خصوص سالارالدوله بنده هیچ کاری ندارم باینکه بد کرده است یا خیانت کرده است یا نکرده است بنده عرض می کنم که او یکی از افراد ملت است و لازم می دانم حقوق خانواده او منظور شده برای این که می دانم خیلی بسرت امورات آنها می گذرد بنده مسرورم حالا از این محل یا محل دیگر قرار داده شود بنده نمی دانم در هر حال لازم می دانم که رعایت حال آنها که خانواده محترمی هستند بشود

**رئیس** - در هر حال تمکیک کردن این مسئله در اینجا آسان است ولی اگر تصویب کردند این راپورت را که مجدداً در خصوص آنها پیشنهادی وزارت مالیه بنماید تا فرار آن داده شود و اگر تصویب شد که رجوع می شود بوزارت مالیه که تجدید نظر در آن بنماید حالا رای می گیریم بر راپورت کمیسیون

راجع بانچهها نخواهد بود اگر مقصود این است که این چندان لازم بدانند که نیست و اگر مقصود نظر در کلیه خالصجات است پس نباید در شخصاً نظر کرد که وزارت مالیه در چندی قبل پیشنهاد بمجلس کرده بود قرار قاطعی داد که مجموع مردم آسوده شوند و هر روز از این قبیل مطالب موضوع بحث نشود و اگر بنا بر آن معینی است که در اطراف طهران شده است و مقصود آن معینی است که بعد از آنکه تصویب شد موضوع آن خواهد و اما اینکه مذاکره از عیال و اولادان سالارالدوله می شود این بکنی با این موضوع منافات دارد اینها کرات عمومی است و اینها کرات شخصی است این دو مسئله را نباید مخلوط کرد شاید بعضی انکار هم آنطور که باید باطراف و جوانب آن کامل نظر نمی کنند و نظرها تمام متوجه میشود بر دآباد و شهریار و فلاجا و آنوقت بعضی نظرها بعضی جاها می رود که انسان مجبور است دفاع نماید

**حاج سید ابراهیم** - بنده هم آنوقت عرض کردم که اگر معنی واگذار کردن خالصه معنی و عنوان ملکیت است که با سایر املاک فرق نمی کند حالا این یک ملکیتی است که ما دیدیم مالیاتی را که دولت از آن مطالبه میکند زیاد تر از عایدی او است و البته باید بتوان معینی یا شکلی دیگر طوری کرد که سهم آنها وارد نشود اما در باب رای گرفتن بنده نمی دانم کمیسیون طوری اظهار عقیده نکرده است که بشود رای داد اما در باب عیال و اولاد سالارالدوله بملاحظه پیرشانی ایشان اگر باید رعایتی بشود باید برود بوزارت مالیه و هر طوری که صلاح دانستند پیشنهاد نمایند که تصویب شود و در باب مالیات مرد آباد غیر از همان تصویب وزیر بچیز دیگر نباید رای گرفت پس باید در همان پیشنهاد رای گرفته شود که رد قبول آن معلوم شود.

**حاجی سید ابراهیم** - شور در کلیات این لایحه البته معنی آن این نیست که بخواهیم یا نخوانیم بلکه شور در این است که این ترتیب موادی که گذشته شده است نظری در آن هست یا خیر بنده چون در این ترتیبی که نوشته شده اشکالاتی دارم که باید گفت برای اینکه در موقتی هم که قانون اساسی را مینوشته معلوم میشود که این مطلب حل نشده است که برای قطع معاکم دو محکمه باشد یکی محکمه شرعی و یکی محکمه عرفیه چنانچه در این لایحه ثانوی نوشته شده است و مفاد قانون اساسی است یا اینکه واقعاً باید يك محکمه باشد برای قطع کلیه دعاوی که موافق است با پیشنهاد کمیسیون و البته مسلم است که در صورتیکه دو محکمه باشد باعث اختلاف خواهد شد و قایده هم ندارد و در این قانون تشکیلات حاضر بود توضیحات می داد و متقاعد می شدیم و در ابتدا این ملاحظه نشده است بجهت اینکه از برای حاکم خصوص سالارالدوله بنده هیچ کاری ندارم باینکه بد کرده است یا خیانت کرده است یا نکرده است بنده عرض می کنم که او یکی از افراد ملت است و لازم می دانم حقوق خانواده او منظور شده برای این که می دانم خیلی بسرت امورات آنها می گذرد بنده مسرورم حالا از این محل یا محل دیگر قرار داده شود بنده نمی دانم در هر حال لازم می دانم که رعایت حال آنها که خانواده محترمی هستند بشود

**رئیس** - در هر حال تمکیک کردن این مسئله در اینجا آسان است ولی اگر تصویب کردند این راپورت را که مجدداً در خصوص آنها پیشنهادی وزارت مالیه بنماید تا فرار آن داده شود و اگر تصویب شد که رجوع می شود بوزارت مالیه که تجدید نظر در آن بنماید حالا رای می گیریم بر راپورت کمیسیون

کسانیکه با تصویب کمیسیون موافقت دارند و در وقت سفید آینه اند .  
( اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان شماره نموده نتیجه از رادایل اعلام شد )  
**معاضد الملک** - عده حضار ۷۱ دوره سفید ۲۸ دوره آبی ۱۹ امتناع ۴  
کسانیکه رد کردند : حاجی شیخ اسدالله .  
مرتضی قلیخان بختیار - دهخدا - منزه الملک - آقا عبدالحمید متین السلطنه - حاج سید ابراهیم - آقامیرزا ابراهیمخان - آقامیرزا مرتضی قلیخان .  
کسانیکه تصویب نمودند : آقا شیخ محمد - آقا شیخ رضا - معتمدالتجار - حاج فاتح الملک - آقا میرزا رضاخان ناگینی - آقا شیخ غلامحسین - نیرالسلطان وکیلالتجار - دکتر اسمعیل خان - ضیاء الملک - سلیمان میرزا - حاج شریعلی - آقا سید جلیل - آقامیرزا ابراهیم قمی - اسان الحکماء - فهیم الملک وکیل الرعایا - آقامیرزا احمد - صدرالعلماء - کاشف - آقا شیخ ابراهیم - آقامیرزا داود خان - ارباب کیخسرو - آقا سید حسین اردبیلی - آقا شیخ مهدی - آقا سید محمدباقر - ادیب - حاج عزالملك منتصر السلطان .

**فهم الملک** - قبل از شروع در شور این لایحه قانون تشکیلات عدلیه تحقیق يك مسئله را بنده لازم میدانم و آن این است که این لایحه که حالا در مورد شور آمده لازم خواهد بود یا خیر یعنی بعد از تصویب شدن و قانون شدن او را ما لازم میدانیم که اجرا کنیم یا اینکه لازم نمیدانیم خواهد گفت که عدلیه روح مملکت است اساس مشروطیت بر پایه عدالت است باید عدلیه باشد اگر عدلیه نباشد مشروطه نیست و باید قوانین او منظم و مرتب باشد و بناواقصی هم که در عدلیه حالیه هست میدانم البته باید قانونش نوشته شده و بنده در اینصورت نظر آقایان را متوجه میدارم باظهار اهتمام و حرارتیکه در موقع شور در قانون معارف میفرمودند که هر وقت يك راپورتی از کمیسیون می آمد اظهار میکردید که قانون معارف از همه چیز لازم تر است و اهم از همه قانون معارف است و بواسطه اینکه معارف ما کامل نیست و باید خیلی زود بگذرد و ضمناً بواسطه صرت مالیه سعی کردید که قانون اداره اوقاف بگذرد که شاید از آنجا هم بگرفته عایدی زیاد شده و بکار دولت بخورد که بتوانند صرف معارف بکنند آنوقت متأسفانه وقتیکه جزئی مبلغی برای اداره اوقاف لازم بود متوسل بمذاکراتی شدیم که ربطی بآن موضوع نداشت و تقریباً آن اداره را موقوف گذاردیم و همراهی نکردیم و حالا برای يك اداره بزرگی این قانون نوشته شده است یعنی بنده تصدیق میکنم که لاقول سالی يك کرور خرج يك همچو عدلیه قانونی باید باشد حالا اگر ما حاضر هستیم وقتی که این قانون تصویب شد بودجه این راهم که بیاورند بمجلس زودتر بدهیم چه کنیم و متان را صرف کنیم تا اینکه این قانون را هم زودتر بگذرانیم و اگر نخواهیم داد بهتر این است که وقت خودمان را صرف نکنیم ولی بنده عقیده ام اینست که عدلیه در مملکت لازم است و اگر مملکت هم پنج کرور لیر بودجه داشته باشد باید مخارج اداره را داد که منظم بشود عدلیه برای این است که عایدی برای دولت داشته باشد عدلیه برای این است خرج داشته باشد کلیه ادارات برای خرج است و آن مالیاتی که از طرف دولت تحمیل میشود از برای این است که ادارات خرج دارد نه اینکه دولت بخواهد از این ادارات فایده ببرد دولت باید یا از عایدی خودش یا باستقراض در هر صورت مخارج این ادارات را بدهد ولی اگر که چند روزی سعی کردیم و شور کردیم و این قانون

کسانی که بدست نیامد - این مسئله راجع میکنم بوزارت مالیه که بملاحظات ثانوی به مجلس بیاید حال بروز میشود شور در قانون تشکیلات عدلیه آقایان لابد مطالعه کرده اند دیگر لازم بخواندن نیست داخل در شور کلی میشود و آقایان ملاحظاتی نظریات خود را بطور کلی فرمایند که بعد داخل شویم در شور مواد .



بند در راپورت کمیسیون این مسئله که اساس شرعیات است حذف شده حالا آقای حاج سید ابراهیم میگویند که باید در محاکم در هر محکمه یا قاضی باشد محتاج نباشیم باینکه محاکم را دو قسم کنیم و اینکه این محاکم در چه قبیل امور باید مداخله کنند و اینکه آقای معاون فرمایند که ما قسمت عرفیات را نوشتیم قسمت شرعیات را هم بنویسیم در صورتیکه در قانون اساسی تصریح شده که دیوان عدلیه مرجع نظلمات عمومی است و در این قانون ابدأ ترتیب محاکم شرعیه را نوشته است اساساً صحیح نیست و ما باینطور نمی توانیم داخل در شور آن بشویم باین نظر وزارت عدلیه را که مینویسند در پیشنهاد خود محاکم بر دو قسم است و اسمی از محاکم شرعیه نمیبرد آقای معاون توضیح بدهد که ما بدانییم نظر وزارت عدلیه از چه قرار خواهد بود

**معاون** - چنانکه عرض کردم هر لایحه قانونی که پیشنهاد می شود بهیئت مقننه راجع است بقانون اساسی و آن مواد را توضیح میکنند که ترتیب اجرای آن را بدهند در قانون اساسی دو ماده است که راجع به عدلیه است يك ماده این است که محاکم عدلیه مرجع نظلم عمومی هستند يك ماده هم هست که قوه قضائیه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عرفیه در عرفیات اینک این ماده دویم را نوشته اند برای این است که این ماده میخواهد تفکیک محاکم شرع و محاکم عرف را بنویسد و این قانون راجع است به تشکیل محاکم اگر چه ماده قانون اساسی که میگوید که قوه قضائیه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عرفیه در عرفیات در حقیقت لایحه وزیر که ماده اولی خود را آماده اساسی قرار داده است می تواند بگوید که این صد و چند ماده که پیشنهاد شده است از طرف وزارت عدلیه این قانون راجع است به تشکیلات تمام محاکم عدلیه و ماده قانون اساسی که میگوید بمحاکم شرعیه در شرعیات و عرفیه در عرفیات راجع است بشرع قسمت اول آن ماده قانون اساسی است و قسمت دیگر راجع خواهد شد بترتیب محاکم عدلیه و هنوز آن قسمت راجع بمحاکم شرعیه نوشته نشده است و اینکه نوشته است بمحاکم عدلیه در عرفیات مقصودش این بوده است که فقط از محاکم عدلیه صحبت میشود و از آن ماده دیگر صحبت نکرده است و در عوض کردن این ماده قانون اساسی به آماده فقط باینجهت بوده که نظر نمایندگان را از محاکم شرعیه متوجه کند بعرفیات که قسمت شرعیات در آن نوشته شده است و مسلماً اگر این ماده را بنویسند که مرجع نظلمات عدلیه است آنوقت توجهات را بمحاکم عدلیه میکنند چون هیچ صحبتی در محاکم شرعیه نوشته شده است و چون که مقصود کمیسیون از عرض کردن این بود که نظر و کلا کلیته متوجه بشود به تشکیل محاکم عدلیه که فقط در این قانون نوشته است و هیچ نظری نبوده است که آن ماده را بردارند و این ماده را بجای آن بگذارند هر دو ماده از مواد قانون اساسی است چون کمیسیون عدلیه تصور کرده است و وزارت عدلیه فقط راجع است بهمین يك ماده قانون اساسی

و هر گاه درست تامل شود آنوقت تمام توجه از تشکیل منصرف خواهد شد و کلیه متوجه میشود به تشکیل محاکم عدلیه آنوقت لازم بود که هم آماده نوشته شود و هم این فقط نظر کمیسیون این بوده است چون نظر عموم متوجه بمحاکم شرعیه نیست و متوجه بمحاکم عدلیه است متوجه شود فقط بآن موردیکه در تحت آن عنوان شروع شده است این است که آنرا نوشته اند و این قسمت را نوشته اند بجهت اینکه اگر چه هر دو قسمت قانون اساسی است و هر دو واجب الاجرا است

**شیخ الرئیس** - چون شور در کلیات است بنده اولاً عرض میکنم گفتگو در اینکه آیا تشکیلات قانونیه بمجلس باید بیاید یا نباید طرف توجه نمایندگان عظام بشود یا نشود بنظر من اینطور میآید که رأی بدهیم اما اینکه مملکت عدلیه داشته باشد یا نداشته باشد وزیر عدلیه لازم است یا لازم نیست اینرا گمان نمیکنم هیچکس يك همچو رأی داشته باشد یا يك همچو تردیدی بکنند پس هیچ شك نیست که قانون تشکیلات عدلیه باید داشته باشیم و گمان نمیکنم کسی مخالف باشد باید داخل در مواد شد در این مسئله بنده موافقم ولی يك نکته را لازم می دانم که خاطر نشان آقایان بکنم از تعبیرات مخبر محترم و آقای معاون پاره مخاطرات بنظر آمد و لازم است عرض کنم اینکه فرمودند تفکیک داده اند بین محاکم عدلیه و شرعیه یعنی حالا وزارت عدلیه نظری نکرده است بمحاکم شرعیه و فقط نظرش تاسیس محاکم عدلیه است و کیفیت جریان محاکمات بر حسب موازین دینی که معلوم است در يك ترتیب صحیح اجرا میشود این را حالا گذاشته اند برای وقت دیگر و شروع کرده اند بشق دیگر بنده بکلی عقیده ام اینستکه ابتدا يك ترتیبی در باب محاکم شرعیه داده شود و امیدوارم که اهل علم و فقها و آقایان قانون دان همراهی کنند و بمحاکم شرعیه يك ترتیبی بدهند اگر چه این بخودم برمی خورد ولی عقیده شخص خودم این است بنده محاکم شرعی هم داشتم و در خراسان و شیراز حاکم هم بودم ولی گمان می کنم که دیگر خود من نمی خواهم تمام يك حکمی بر خلاف داده شود ولی اداره شرعی من ترتیب اداری نداشت و نمی دانم من اگر رشوه نگیرم آن مجرم من هم رشوه نمیگیرد چون حقوق ندارد ناچار است مفت که کار نمیکند از محکوم له یا علیه میگیرد این محاکم را اول باید همانطوریکه حاجی آقا فرمودند يك ترتیبی بدهند حالا آن ترتیب را عرض میکنم یعنی محاکم شرعیه یعنی دکه القضاء بقول ایشان باید در تحت قوانین مقرر یعنی معلوم شود که فلان محله حاکم شرع صحیحی هست و عدلیه رسماً او را حاکم شرع آن محل میکنند اگر محل شبهه است راجع میکند بنده یا سایرین چه در مجلس باشند یا در خارج فلان آخوند یا دیگری که لیاقت محاکمه شرعی دارد جمع میکنند محل دیگر هم همینطور اگر در يك محلی نباشد از محل دیگر معین کنند هر محلی یکی راجع شود که این اختلافات و اعتراضات که بمحاکمات عدلیه میکنند رفع شود و خود من هم یکی از معترضینم و اگر وزیر عدلیه تغییر نمیکرد در چند ماده بنده سؤال و استیضاح داشتم و حالا گذاشته ام و میگذرم تمام مخالقات از اینجا میشود که پیش يك حاکم شرعی میروند یا

بتراضی یا بقرعه یا با رجاع وزیر عدلیه یا بهر شکل که او را معین میکنند با رجوع میکنند آنوقت محکوم علیه میگوید من راضی نبودم مرا مجبوراً باین محاکمه آوردند آنوقت این شکایت بمجلس و تمام محافل گفته می شود و بنده هم مسلماً می دانم که تقصیر از عدلیه است اگر در ارجاع هم خطا کرده است همین اشتباهیکه حالا کرده است مولد هزار اشتباه است يك حاکم و صد هزار نایب يك شهر باید چند تا حاکم شرع داشته باشد يك وقت بنده در روضه خوانی گفتم ( يك كشته و صد هزار قاتل ) حالا چند نفر حاکم در يك شهر حکومت کنند معین کتبدار در محله شاه آباد ( اگر چه برای خودم يك خدمت می تراشم ) لازم شود خود بنده اگر قابلیت دارم می توانم حکم بدهم حاضر حاصل اینکه بنده اینطور معتقدم و عرض میکنم که اول باید يك ترتیبی برای حکومت شرعیه بدهند تا بهمه جاسرایت کدم محکمه شرعیه یا دکه القضاء در عدلیه یا در خارج ترتیب بدهند والا از خواندن این قانون و تشکیلات بجز اشکال چیز دیگری فراهم نمی آید ( اغلب گفتند صحیح است )

**معاون** - اینطور عرض نکردم که وزارت عدلیه ترتیب قانونی محاکم شرعیه را طرف توجه قرار نداده حتی وعده کردم که در مدت قلیلی قوانین راجعه بمحاکم شرعیه را تقدیم مجلس می نمایم و چون عدلیه يك مرتبه نمی تواند تمام قوانین راجعه به عدلیه را که ممکن است باینجهزار ماده شود ممکن است سه هزار ماده شود تقدیم نماید این قوانین باید جزء جز فصل فصل راجع به اداره پیشنهاد بشود تا ترتیبی که پیشنهاد میشود بهمان ترتیب از مجلس بگذرد و آن قانون که مهمتر از قانون دیگری است ترجیح می دهند مثلاً قانون ثبت اسناد را که ترجیح می دهند بر تشکیلات عدلیه است اینک در هر جا که محکمه عدلیه تشکیل شود بدون بول ممکن نخواهد بود که تشکیل قانونی این اداره را بکنند پس چون احتیاج عدلیه بیشتر از همه بیول بود پس لازم بود که اول قانون ثبت اسناد را پیشنهاد کند این بود که قانون ثبت اسناد فرستاد و بعد از آن تشکیلات عدلیه را تقدیم نمود و این را باید عرض کنم که فقط نقطه نظر وزارت عدلیه این نبود که يك قانونی بنویسد کلیه يك مقداری هم برای جلوگیری مخارجات و وقوع دعوی بود این دو نظر مهم عدلیه را قانع کرد هم از جلوگیری از بول و هم از وقوع دعوا و قطع دعوا فقط بترتیب محاکم نباید بشود باید بيك طوری بشود که محتاج بمحاکمه نشده بعد از آنکه عدلیه این محاکم را سد طرق دعوا قرار داد آنوقت باید بپردازد به تشکیل قانون اداره چون عرض کردم که محاکم شرعیه بيك ترتیب نوقی داده اند و مسلم است که قانون شرعیه محتاج به ترتیب نیست و احکام محاکم شرعیه که صادر شده است مسلماً بیشتر و بهتر با موازین شرعیه موافقت دارد گویا احساس وزارت عدلیه تمام همراه باشد که امروز احتیاج این مملکت بمحاکم عدلیه خیلی بیشتر است از ترتیب محاکم شرعیه و چنانچه عرض کردم و

آقای شیخ الرئیس فرمودند امیدوارم که تشکیلات محاکم شرعی هم پیشنهاد مجلس بشود و بگذرد و منضم باین قانون شود آنوقت رجوع شود به محاکمی که قانونا معین شده است که صلاحیت و ترتیب جریان آنها معین بشود .

**معاضد السلطنه** - این جا دو فقره مذاکره شد یکی از آن دو فقره درست جواب داده نشد بعضی از آقایان بعضی از روزها اینجا اظهار میکنند که هر قانونی که از مجلس بگذرد اگر موافق شرع نباشد بموقع اجرا گذاشته نخواهد شد بنده مکرر می بینم که هر روز این مطلب را اظهار می کنند بمجلس و این مثل این است که اعضای مجلس اشخاصی هستند که از بسکی دنیا آمده اند یا اینکه آن وزیر می که این قانون را نوشته بکلی از قوانین شرعی بی اطلاع است آن وزیر بکه این قانون را نوشته و آورده است اهل این مملکت است و از تمام قوانین شرعی مطلع است و همه مسلمانند در این مجلس تمام این و کلائی که هستند اغلبشان مجتهد هستند یا فریب الاجتهاد می باشند قوانینی هم که می گذرد مسلماً موافق قوانین شرعی است چرا باید این مذاکرات بشود که مردمانیکه اینجا نیستند و در خارج هیچ اطلاعی ندارند اذهانشان مشوب بشود و بگوید اشخاصیکه در مجلس هستند از قوانین شرعی بی اطلاعند من از شما سوال میکنم آیا کدام قانون شرع نبوده است پس خواهش می کنم از این آقایان که دیگر این اظهارات را نکنند قوانینی که از مجلس که از زیر دست خودشان می گذرد چه طرز مخالف شرع است مسئله دویم این بود که آقای فهم الملک سوال کرده بودند که این قانون که از مجلس بگذرد آیا اجرا خواهد شد یا مثل قانون اداری وزارت اوقاف تعطیل خواهد شد چون بنده مخالفت کردم که دو هزار تومان داده شود و میگفتم که علی المجاله ما باین زودی اداره اوقاف را لازم نداریم لازم می دانم عرض کنم راست است که اغلب قوانین که می گذرد برور بموقع اجرا گذارده میشود مثل این اینکه قوانینی که از برای وزارت داخله از مجلس سابق گذشت و هنوز بموقع اجرا گذاشته نشده است این تمام بواسطه ضیق مالیه بود و امروز این سوالی را که کردند حق داشتند و می بایست سوال کنند که تمام وزراء حاضرند که این قانون که می گذرد بموقع اجرا گذارده شود در تمام مملکت یا اینکه اختصاص خواهد داشت بمعضی جاهها اگر تمام اهالی این مملکت می دانستند که قوانین عدلیه چه چیز است و مالیاتشان را میدادند و کسر بودجه نداشتیم در مملکت تمام این قوانینی که از مملکت می گذشت در تمام دهها و قصبات تشکیل می شد و تمام تظلمات مردم رسیدگی می کردند و از یک طرف ما می بینیم تمام این خون ریزیها که شده است برای عدلیه بوده اگر برای این عدالت نبود این خون ریزیها نمی شد چون مردم در تحت

ظلم و فشار حکام مستبدین بوده اند این بود که این همه خون ریزیها و هیجانها کردند که مجلس منعقد شده و تشکیل محاکم عدالت برای آنها بشود پس این همه خون ریزیها که شده است پس کسی نمی گوید که عدلیه نباشد ولی عدلیه در تمام نقاط ایران در موفقی که دایر خواهد شد که (۱۴) کرور کسر بودجه نداشته باشیم آن کابینه سابق پیشنهاد کرد که (۱۴) کرور کسر داریم حالا اگر (۱۴) کرور نباشد (۸) کرور که هست باین ملاحظاتی آن روز گفتیم امروز این دوهزار تومان را ندهید چون کسر بودجه داشتیم و در اغلب جاها بمضی اشرار اغتشاش و تمدی می کردند و مالیات بطور صحیح وصول نشده بود گفتیم این پولها بیکه داریم خرج توپ و تفنگ و قشون کنیم و تا بتوانیم خرج اسلحه بکنیم امروز در تمام دنیا بلکه همیشه سر نیزه پیش میبرد هر چه هست سر نیزه پیش می برد خوب است همه چشم و گوشمان را باز کنیم به بینیم در مملکت ما چه داریم و مردم چه می خواهند مردم عدالت را می خواهند عدالت از چه راه می شود تهیه کرد از سر نیزه تا سر نیزه نداشته باشیم نمی توانیم نه حق خودمان را حفظ کنیم نه حقوق رعایای خودمان و نه شرافت خودمان را حفظ و نگامداری بکنیم پس از همه چیز واجب تر بحال حالیه ما این است که توپ و تفنگ و اسلحه بخرند و قشون حاضر کنند که حفظ حیثیات خودمان را بکنیم در اینصورت بنده باز عرض می کنم توپ و تفنگ قشون لازم است و برای قشون پول لازم است که سر باز بگیرند که جلوی آن اشخاصی را که می خواهند ظلم بکنند تمدی بکنند بگیرند از اشراریکه در مملکت شرارت میکنند بگیرند و الا زارع نمی تواند زراعت خودش را بکند و با سودگی مالیات خودش را بدهد آنطور که عرض کردم توپ و تفنگ و فشنگ لازم است برای این مملکت و امروز اگر تمام مردم زمان یومیه خودشان بدهند باز باید توپ و تفنگ و فشنگ بخرند و جلو گیری از اشرار بکنند و عدلیه را باز کنند و قوانین خودشان را اجرا کنند و حفظ امنیت و ناموس مردم را بکنند این بود که عرض کردم بدون سر نیزه ممکن نیست حفظ حقوق مردم را کرد و هر وقت هم بخواهند پولی خرجی تقاضا کنند رای نمی دم و همین عریض خودم را تکرار خواهم کرد که باید این پولها خرج فشنگ و تفنگ و صرف نظام و امنیت مردم بشود

**آقا محمد پروجر دی** - بنده عرض نکردم که مخالفت با قانون شرع دارد عرض کردم فرضاً هر ماده که خلاف قانون شرع باشد قانونیت ندارد و از باب این که نماینده حق نظر دارد حق اظهار عقیده دارد و حق دارد رای خودش را اظهار کند این عرض را نمودم والا در لایحه وزرا احتمال این که بعضی چیزها مطابق شرع باشد ندام .

**آقا شیخ ابراهیم** - بمقیده بنده دیگر باید در کلیات رای گرفت حالا اگر دقتی دارد آن را بگذاریم بمانند این تشکیل محاکم عدلیه باین ترتیب لازم و ضرور است یا نه اگر بفرمائید باین ترتیب ضرور نیست سوال می کنم باید این قوانین برای تشکیل محاکم عدلیه وضع شود یا خیر اگر بگویند که وضع شود ولی این چیزهای دیگر هم وضع شود

من میگویم چیزهای دیگر باید وضع شود ولی آنکه مانع از این نیست بعد از آنکه این رای را دادیم آنرا هم پیشنهاد میکنند رای میدهم بعد از آنکه رای دادید داخل شور مواد میشویم بعد از آن چیز دیگر را باید نوشت شرعیات را هم باید اداره کرد این که مانع آنها نیست ملاحظه بفرمائید کمیسیون بهمین ملاحظه آماده را تغییر داد باینماده چون دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع تظلمات عمومی هستند لهذا محاکم عدلیه در تحت ریاست عالی وزارت عدلیه بترتیب مواد آتیه تشکیل میشود میخواهد تشکیلات این را بگوید که البته ترتیب اداره خواهیم داد این مانع از اینها نیست خیلی مقدمات لازم دارد .

**رئیس** - گمان میکنم که مذاکره کافی است پس رای میگیریم بر اینکه شور در کلیات قانون تشکیلات عدلیه را ختم کنیم و در جلسه آتیه شروع کنیم در مذاکرات مواد آن کسانیکه تصویب میکنند داخل شدن شور در این مواد را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد) .

**رئیس** - دستور جلسه آتیه اخذ رای در باب دوهزار تومان برای اداره اوقاف رایورت کمیسیون بودجه در باب برقراری ماهی یکصد تومان در باره شجیع السلطان بانه رایورت کمیسیون مبتکرات راجع در باب طرح آقای حاجی فاتح الملک راجع بایلات ایضا رایورت کمیسیون عدلیه .

**معزز الملک** - بمقیده بنده ما این یکسال در تعیین دستور خودمان آن دقتی را که باید بکنیم نکردیم مثلاً تشکیلات عدلیه جزء دستور گذشته شده است در صورتیکه عقیده من مخالف است که این جزء دستور آمده است من هیچ ضرر نمی بینم که در روز بعد جزء دستور میگذاشتیم که امان نظری بشود و تمام شود (مجلس تقریباً یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد) .

**جلسه ۱۶۸**

**صورت مذاکرات روز چهارشنبه ۲۹ شهر شوال المکرم ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد صورت مجلس روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند - آقایان قوام الاسلام - نوبری - حاجی میرزا آقا - آقا سید محمد رضا - آقا سید علی آقا سپهبد اعظم - تربیت - دکتر امیر خان بدون اجازه آقایان حاج سید نصرالله و آقا سید حسین گزازی با اجازه غائب بودند .

آقایان دهخدا - دکتر اسمعیل خان - حاج وکیل الرعایا - نیر السلطان بوقت مقرر حاضر نشده آقایان حاجی میرزا زین العابدین قمی - حاجی مصدق الممالک حاجی امام جمعه - مریم بودند .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید .

**دکتر امیر خان** - بنده دیروز به مناسبت وفات یکی از اخوی زاده هانتوانستم حاضر شوم و اجازه هم خواستم حال معلوم میشود مراجزه غائبین بدون اجازه نوشته اند .

**قریبیت** - بنده تا بحال هیچوقت از مجلس غائب نشدم دیروز چون تب داشتم نتوانستم حاضر شوم .

**آقا شیخ علی شیرازی** - در باب آقای